رابطه ریتم و متریک موسیقایی با ارکان عروضی

دکتر مصطفی کمال پورتراب

عوامل بنیادین تشکیل دهندهٔ موسیقی، اصوات موسیقایی و ریتم (Rhythm) است. که ملودی را تشکیل می‌دهند بنابراین ملودی از کنار هم قرار گرفتن اصوات گوناگون موسیقایی و ریتم حاصل می‌شود، اصوات موسیقایی از نظر امتداد زمانی یا دیرند (Duration) و زیر و بمی یا زیرایی (pitch) و شدت (Intensity) با یکدیگر تفاوت دارند. امتدادهای زمانی مختلف و متناسب در میان اصوات موسیقایی باعث ایجاد ریتم و اختلاف زیرایی در میان آنها ایجاد کننده محور افقی و اختلاف شدت در آنها، سازنده نقاط عطف ملودی به شمار می‌رود که در موسیقی، ضرب قوی و ضعیف، و در شعر و کلام، تأکید یا تکیه شدت (L'accent d'intensité) نامیده می‌شود.

در واقع موسیقی را می‌توان به یک موجود زنده تشبیه نمود که اصوات موسیقایی، بدنه و ریتم چارچوب و استخوان‌بندی و تأکیدهای مختلف، پستی و بلندی قامت آن را تشکیل می‌دهند.

از زمان‌های قدیم، شعر و موسیقی با هم ارتباطی نزدیک داشته و پا به پای هم پیش رفته‌اند. در میان یونانیان باستان خواندن اشعار تغزلی که نوعی آواز به شمار می‌رفت به وسیله یک ساز ابتدایی همراهی می‌شد تا به یاری آن، اصوات و اوزان کلام و تکیه‌ها و تأکیدهای آن، همزمانی و هم صدایی یافته و مؤثرتر گردد. از طرف دیگر، موسیقی قدیم که اغلب به صورت آوازی (Vocal) بود، تا زمانی که نت‌نویسی در محدوده میزان‌بندی (Metric) به وجود نیامده بود، از وزن اشعار پیروی می‌کرد، در نتیجه ریتم، بدون قید و به صورتی آزاد بود تا این که با ایجاد قالب‌های متریک و به وجود آمدن میزان‌های مختلف، موسیقی از قید کلام آزاد شد و به وسیله سازهای مختلف به حیات مستقل و گاه همراه با آواز خود ادامه داد. با وجود این استقلال، قالب‌های اولیهٔ متریک در موسیقی، تصویری از ارکان شعری (Poetic meter) بود و همان‌گونه که در شعر عرب از ارکانی مانند فاعِلُن، فاعلاتُن، مَفاعیلُن، مُستَفعِلُن، مُتَفاعِلُن به نام اَفاعیل عروضی و در کشور ما از ارکانی مانند تَنَن تن، معادل فَعولُن، تَنتَنتَن معادل مَفعولُن، تَنَنَنتَن معادل فَعَلاتُن که آنها را اَتانین می‌نامیدند، برای تشکیل بحرهای مختلف اشعار استفاده می‌شد، ملل مغرب زمین نیز از ارکان شعری خود به نام فیت (Feet) استفاده می‌کردند که به تدریج آنها را به صور گوناگون و متنوع‌تری در آورده و توسعه دادند. این ارکان به سه دسته تقسیم می‌شدند: الف ـ ارکانی که با ضرب اول میزان شروع می‌شوند: "Piedi tetici" شامل: ۱ ـ اسپوندئو (Spondeo) متشکل از دو هجای بلند که با نت‌نویسی امروزی موسیقی، به صورت میزان دو ضربی ساده نوشته می‌شود:

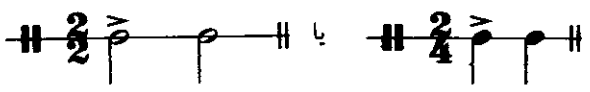

۲ ـ داتیلو (Dattilo) متشکل از یک هجای بلند و دو کوتاه:

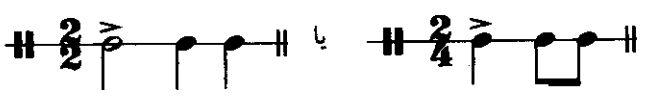

۳ ـ دیپودیا اسپوندائیکا (Dipodia Spondaica) معادل دو اسپوندئو:

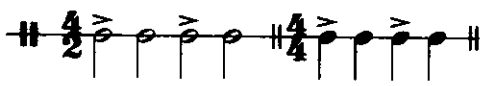

۴ ـ تریبراکو (Tribraco) متشکل از سه هجای کوتاه:

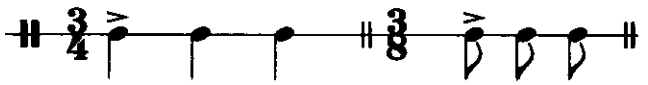

۵ ـ مُولُوسُو (Molosso) متشکل از سه هجای بلند:

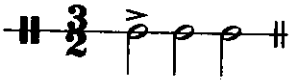

۶ ـ تروکئو (trocheo) متشکل از یک هجای بلند و یک کوتاه:

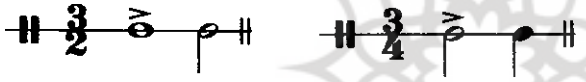

۷ ـ دیپودیا تروکائیکا (Dipodia Trocaica) شامل دو هجای بلند و دو کوتاه:

۸ ـ تروکئوی مضاعف متشکل از دو تروکئو:

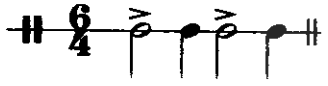

۹ ـ ایونیکوی بزرگ (Ionico Maggiore) شامل دو هجای بلند و دو کوتاه:

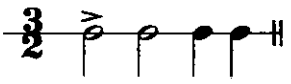

ب ـ ارکانی که با ضرب آخر میزان قبل شروع می‌شوند (Piedi Anacrusici):

۱ ـ آناپستو (Anapesto) شامل دو هجای کوتاه و یک بلند:

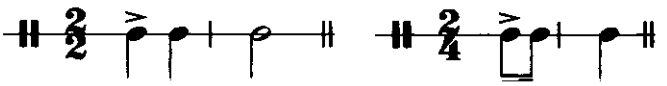

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲ ـ جامبو (Giambo) شامل یک هجای کوتاه و یک بلند:

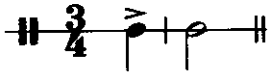

۳ ـ ایونیکو مینوره (Ionico Minore) یا ایونیکوی کوچک شامل دو هجای کوتاه و دو هجای بلند:

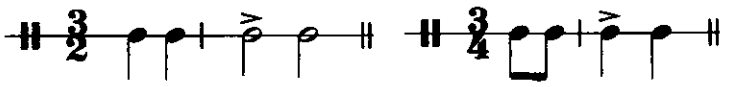

۴ ـ باکیکو (Bacchico) متشکل از یک هجای کوتاه و دو بلند:

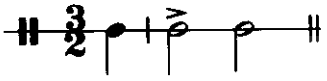

ج ـ ارکانی که به شکل سنکُپ (Syncope) یا میزان لنگ هستند:

۱ ـ آنفی براکو (Anfibraco):

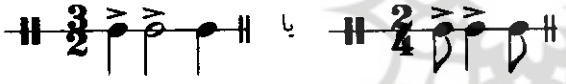

۲ ـ آنتی اسپوستو (Antisposto):

۳ ـ کوینارِیو (Quinario):

۴ ـ پئونیوی نخست (Peonio primo):

۵ ـ پئونیوی دوم (Peonio Secondo):

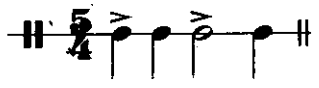

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶ـ هفت‌تایی اپیتریتو (Settenario Epitrito):

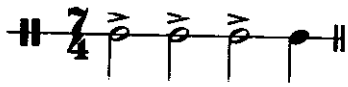

با توجه به علامت اکسان (>) که بر روی بعضی از ضرب‌ها قراردارد، در میان ارکان سه‌گانه، ضرب نخست گروه الف ضرب قوی و ضرب سوم نیمه قوی و بقیه ضرب‌ها ضعیف است.

در ارکان ایونیکوی کوچک و باکیکو (در گروه ب) نیز ضرب اول میزان ضرب قوی است؛ در صورتی که در ارکان Anapesto و جامبو Giambo، ضرب آخرِ میزان قبل، قوی و ضربِ اول میزان بعدی ضعیف است. اگر ریتم نمونه زیر را که شروع سمفونی شماره ۴۰ موتزارت است مورد بررسی قرار دهیم:

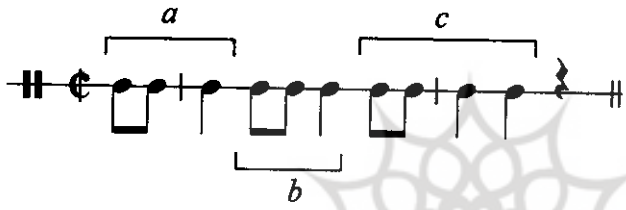

ملاحظه می‌کنیم که قسمت a و b که معمولاً در موسیقی، موتیف مذکر (Masculin motif) نامیده می‌شود همان رکن آناپستو و قسمت C که موتیف مؤنث (Feminin motif) نام دارد رکن یونیکو مینوره است و همچنین مارش نظامی (La Marche Militaire) اثر شوبرت که ملودی آن به صورت:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و همراهی آن به صورت:

تصنیف شده از رکن داتیلو و در اسپانیا اثر شابریه (chabrier) که به این شکل است:

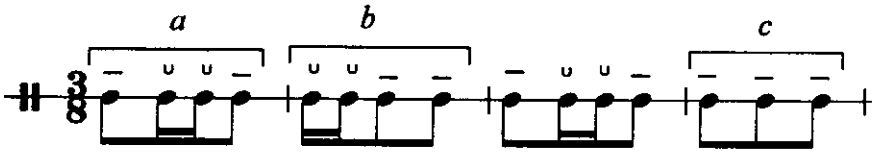

قسمت a در آن کریامب (Choriambe) نام دارد که از یک هجای بلند و دو کوتاه و یک بلند تشکیل شده و قسمت b آن رکن ایونیک کوچک و قسمت C آن تریبراکو می‌باشد. این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهند که آهنگسازان بزرگ جهان همگی از این قالب‌ها یا اختلاطی از آنها در آثار خود استفاده کرده‌اند و به تدریج در اثر ترکیب ارکان مختلف شعری

قالب‌های دیگری مانند نمونه‌های زیر نیز به آنها اضافه شده است:

جامبوی نقطه‌دار:

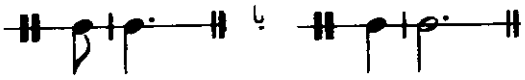

جامبو با استفاده از سه بردو (Triolet):

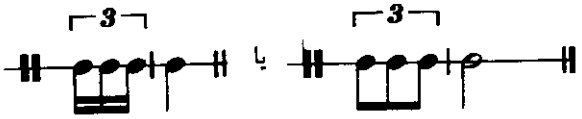

جامبو با استفاده از سه بردو و نقطه:

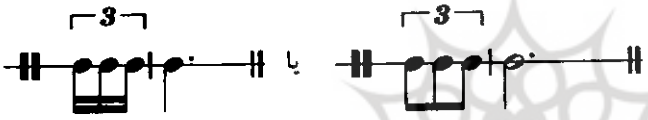

آناپستوی نقطه‌دار:

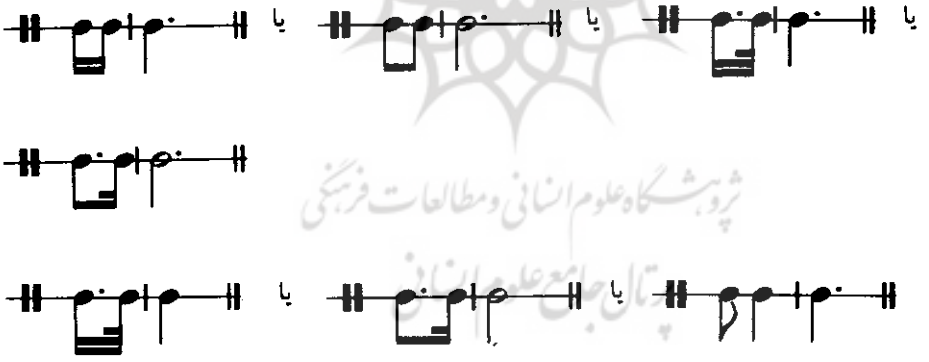

تروکئوی نقطه‌دار:

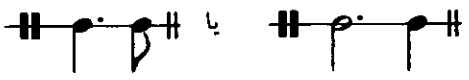

تروکئو با استفاده از سه بردو

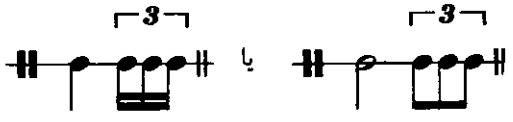

تروکئو با سه بردو و نقطه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

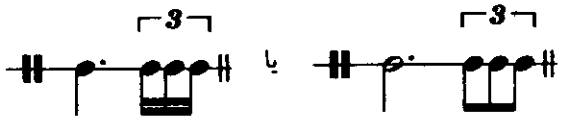

داتیلوی تغییر یافته:

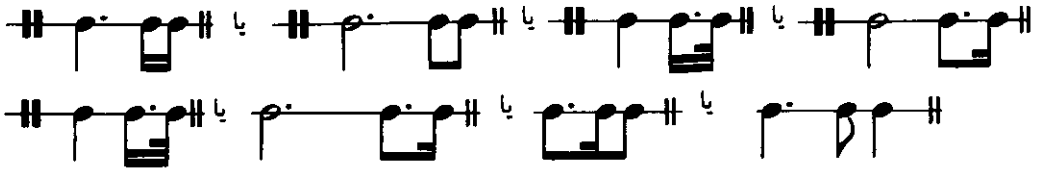

اسپوندئوی تغییر یافته:

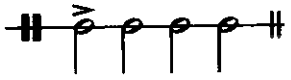

ایونیکوی تغییر یافته:

آهنگسازان قرن بیستم پارا از قفس طلایی (La cage dorée) متریک فراتر نهاده و از تأکیدهای غیر یکنواخت (Les accents contrecarrants) مانند نمونه زیر:

استفاده کردند و آهنگسازان پیشرو حتی از این ابتکار نیز پا را فراتر نهاده و از سلول ریتمیک (La cellule rythmique) استفاده کردند، به این ترتیب که در این روش یک نت کوچک به عنوان سلول انتخاب می‌شود و به تدریج به ارزش آن اضافه و سپس به تدریج از ارزش آن کم می‌شود. مانند نمونه زیر:

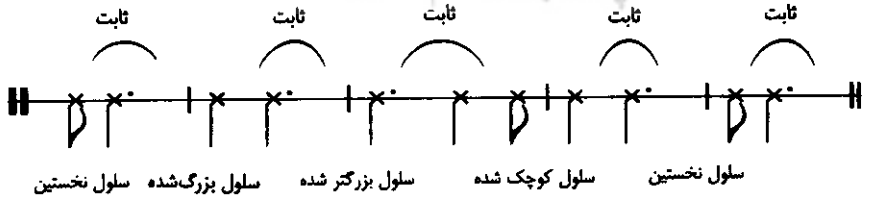

اگر با دقت نمونه بالا مورد تحلیل قرار گیرد ملاحظه می‌شود که اگر نت‌های با ارزش ثابت را که دیرند آنها معادل یک چنگ نقطه‌دار است در نظر نگیریم در میزان نخست یک چنگ به عنوان سلول ریتمی در نظر گرفته شده که در میزان دوم به شکل سیاه و در میزان سوم به شکل سیاه نقطه‌دار درآمده و سپس در میزان چهارم باز به اندازه یک چنگ کوچک‌تر شده و در میزان پنجم دوباره به ارزش نخست خود بازگشته است. این امر به ثبوت می‌رساند که کلیه ابتکارات و نوآوری‌های جدید بر روی اصول و قواعد گذشتگان پایه‌گذاری شده است.